info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۸۲۲
چهارشنبه / ۲۵ فروردین / ۱۴۰۰
۱ / رمضان / ۱۴۴۲
14 / April / 2021

صاحب‌امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری - سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۳۲۸-۲۲۵۳۲۳۲۲-۰۲۶ - فکس: ۲۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

خبر

برگ برنده‌ای که جدی گرفته نمی‌شود

بیش از یک سال از شیوع ویروس کرونا در ایران می‌گذرد و این یعنی متولیان حوزه فرهنگ، یک سال زمان داشتند تا برای روزهای سخت پیش رو برنامه‌ریزی کنند. برای بحران بیکاری حاصل از کرونا، تولید و نمایش فیلم‌ها و بسترسازی برای رونق اکران آنلاین چاره‌ای بیندیشند و اجازه ندهند چراغ سینماداری یا تولید فیلم خاموش شود. با این همه، نوروز ۱۴۰۰ احتمالاً به‌دلیل فشار سینماداران و پخش‌کننده‌ها یا برای فرار موقت از بحرانی که تعطیلی سینماها به بدنه سینما و سالن‌داران تحمیل کرده، با آب و تاب و خبرسازی سینماها باز شدند. این موضوع به فروش فیلم‌ها کمک نکرد. قابل پیش‌بینی بود که در چنین فضایی، مردم تمایلی به فیلم دیدن در سالن سینما ندارند. نکته دیگر این که تبلیغات و اطلاع‌رسانی درباره باز شدن سینماها آنقدر نبود که جامعه مطلع شود. بسیاری از مردم متوجه آغاز به کار دوباره سینماها در روزهای نخست سال نشدند. باز هم، قابل پیش‌بینی بود سفرها و دید و بازدیدهای نوروزی، آمار ابتلا به کرونا را بالا ببرد و بعد از نیمه فروردین ماه، مکان‌های تفریحی و عمومی تعطیل شوند، پس سینماها که تازه باز شده بودند، دوباره تعطیل شدند. اکران نوروزی شکست خورد و بازگشایی موقت و دوباره سینماها هم کمکی به رونق فروش فیلم‌هایی که بخت خود را برای جذب مخاطب آزموده‌اند، نکرد. در ۳۶۵ روزی که سپری شد و بسیاری از متولیان و فعالان سینما می‌دانستند در سال آینده هم اکران فیلم به شکل سابق برنخواهد گشت، هیچ گام جدی برای توسعه اکران آنلاین برداشته نشد. در حالی که پلتفرم‌ها، این روزها پرمخاطب هستند و بازار تولید سریال، مسابقه و تاک شو در این فضا، گرم است. بزرگترین آفت اکران آنلاین، احتمال سرقت و قاچاق فیلم‌هاست. اما مشکل امنیت فیلم‌ها در سال پیش حل نشدنی باقی ماند و سینمای ایران، یک امکان بزرگ برای جذب مخاطب را از دست داد. چقدر زمان لازم است تا متوجه شویم زندگی با ویروس کرونا فعلاً ادامه دارد و باید زندگی فردی و عمومی‌مان را با محدودیت‌هایی که این ویروس تحمیل می‌کند، تطبیق دهیم؟ آیا مدیران سینمایی به انبوه فیلم‌هایی که پشت خط اکران مانده‌اند فکر کرده‌اند؟ چه تعداد سینما، چند روز و چه تعداد سانس لازم است تا زمینه اکران همه تولیدات جا مانده از اکران عمومی فراهم شود؟ توسعه اکران آنلاین، عزمی جدی می‌خواهد. تدبیر لازم است، تدبیری که می‌تواند بسیاری از مشکلات توزیع و نمایش فیلم در ایران را حل کند. استقبال از فیلم «شنای پروانه» و «دیدن این فیلم جرم است» در اکران آنلاین، نشان می‌دهد این بستر تازه، بضاعت بالایی برای جذب مخاطب دارد. حفظ سینماها و امنیت شغلی کارکنان سینما بسیار مهم است، اما توجه به تولید و قطع نکردن چرخه اکران هم، ضروری است. سینمای ایران ناگزیر باید به سمت تقویت زیرساخت‌ها برای توسعه اکران آنلاین برود. تعلل در آغاز این راه و تأمین امنیت فیلم‌ها، فقط هزینه این کار را بیشتر خواهد کرد. باور کنیم که شیوع ویروس کرونا، وضعیت نمایش و توزیع فیلم را تغییر خواهد داد، پیش از آنکه سینمای ایران و سینماگرانش بیشتر از این متضرر شوند، زمینه توسعه اکران آنلاین را فراهم کنیم.

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

از تمام خوانندگان پیام آشنا می‌خواهیم، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۲۸۰۲۸۰۲۸

خراسان

امروز با حافظ

می ده که گر چه گشتم نامه سیاه عالم
نومید کی توان بود از لطف لایزالی
ساقی بیار جامی و از خلوتم برون کش
تا در به در بگردم قلاش و لاابالی

خراسان

وقت طرب خوش یافتم
آن دلبر طناز را
ساقی بیار آن جام می
مطرب بزن آن ساز را

سعدی

اقوام ترکی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۰۷	۰۶:۳۴	۱۳:۰۵	۱۹:۳۶	۱۹:۵۴

برگه

هیچ کس نمی تواند ما را بهتر از خودمان فریب دهد.

گوته

خبر

اکوسیستم‌های آبی، منبع نیمی از انتشار متان جهانی

محققان دریافتند نیمی از انتشار متان جهانی از اکوسیستم‌های آبی حاصل می‌شود و بیشتر آن نیز توسط انسان ایجاد شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ارثه بررسی جدید محققان دانشکده محیط زیست پیل در ایالات متحده نشان داده است که اکوسیستم‌های دریایی در صورت تغییر فعالیت‌های انسانی، مقدار بیشتری متان آزاد می‌کنند.

متان در جو، گاز گلخانه‌ای قدرتمندی است که می‌تواند نسبت به دی‌اکسید کربن گرمای بیشتری را به دام بیندازد و تخمین زده شده که تاکنون متان، مسئول ۲۵ درصد از کل گرمایش زمین است. جودیت روزنترن، محقق اصلی این بررسی عنوان کرد: سهم جهانی و اهمیت اکوسیستم‌های آبی به‌عنوان عوامل انتشاردهنده متان نادیده گرفته شده است. کارشناسان شار متان از ۱۵ اکوسیستم آبی، تالاب آبی طبیعی و ساخته‌شده توسط انسان را بررسی کردند. تجزیه‌وتحلیل نشان داد که انتشار تجمعی متان از این اکوسیستم‌های آبی به‌طور بالقوه منبع بزرگتری از متان نسبت به منابع مستقیم متان انسانی مانند کشاورزی و سوزاندن سوخت‌های فسیلی هستند. براساس این بررسی، اکوسیستم‌های آبی و تالاب‌ها حداقل نیمی از کل انتشار متان را تشکیل می‌دهند.

پروفسور پیتر ریموند از محققان این بررسی افزود: بررسی دقیق منابع متان از اکوسیستم‌های آبی و قرار گرفتن تحت تاثیر فعالیت‌های انسانی برای درک غلظت متان در جو مهم است. موضوع خاص که برای محققان اهمیت داشت این بود که چگونه انسان بر انتشار گاز متان از منابع آبی تاثیر گذاشته است.

روزنترن گفت: هر چیزی که انسان آن را کنترل کند و یا تحت تاثیر و باشد نسبت به مکان‌های طبیعی شار بسیار بالاتری دارد. به‌عنوان‌مثال، شار متان مزارع پرورش آبزیان ساحلی در هر منطقه تا ۴۳۰ برابر بیشتر از شار متان زیستگاه‌های ساحلی غیر تبدیل شده مانند جنگل‌های حرا، مردابها یا علف‌های دریایی است.

محققان این بررسی اظهار کردند: فرصت‌هایی برای کاهش انتشارهای ناشی از انسان با استفاده از روش‌های مدیریت صحیح وجود دارد.

محقق دیگر، پروفسور کارلوس ام دوارته بیان کرد: انتشار زیاد متان از اکوسیستم‌های آبی بطرهای که نقش انتشار مولکول متان در مقایسه با دی‌اکسیدکربن بسیار بیشتر باشد، می‌تواند فرصتی برای موفقیت سریع در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ایجاد کند. این بینش جدید از میزان انتشار گاز متان از اکوسیستم‌های آبی در آینده به آگاهی راهبردهای نوین نظارتی کمک خواهد کرد.

محقق دیگر، برادلی بر اگفت: کاهش انتشار متان از سیستم‌های آبی، بخشی مهم در ایجاد ثبات در دمای زمین خواهد بود.

این یافته در مجله Nature Geoscience منتشر شده است.

تلنگر

تامین مالی استارت آپ را متناوب کنید

مدل کسب‌وکار سرمایه‌گذاران خطرپذیر مستلزم این است که ریسک‌های زیادی روی شرکت‌های تکنشاخ داشته باشند؛ یعنی کسب‌وکارهایی که ارزش آنها به یک میلیارد دلار یا بیشتر می‌رسد. آنها سرمایه‌های خود را در استارت‌آپ‌های زیادی خرج می‌کنند و سپس آنها را به سوی تبدیل شدن به استایفای، زالاندو یا ریوالت بعدی سوق می‌دهند. هر چیزی کمتر از این، برای آنها چندان جالب نیست. اما مشکل‌ساز، شاید تنها یک استارت‌آپ از هر ۴۰ استارت‌آپ به چنین شرکت تکنشاخی تبدیل شود. بقیه می‌لغزند، پژمرده می‌شوند و می‌میرند.

وقتی از سرمایه‌گذاران خطرپذیر پول می‌گیرید، باید خواسته‌های آنها یا خواسته‌های شما هم‌راستا باشد. وقتی سرمایه‌گذار خطرپذیری در هیات مدیره شما حضور دارد، دیگر نمی‌توانید بگویید: «فکر می‌کنم داشتن شرکتی که فقط ۱۰۰ میلیون دلار ارزش داشته باشد هم خوب است. اشکالی ندارد اگر ریسک کنیم و اعداد و ارقام را روی گردونه شانس بریم. درست است که بازگشت سرمایه کمتر است، اما ریسک را دست دادن آن هم به حداقل می‌رسد.» ممکن است این حرف درست باشد، اما سرمایه‌گذاران خطرپذیر علاقه‌ای به آن ندارند. آنها شکست در شرکت‌های کوچک را دوست ندارند و مایل به سرمایه‌گذاری در تکنشاخ‌ها هستند. آنها می‌خواهند با بخش اندکی از پول خود و با بیشتر توانایی شما، ریسک تمام و کمال داشته باشند.

بنیان‌گذاران چند کسب‌وکار با سرمایه خطرپذیر گفته‌اند: اگر می‌توانستند، شاید هیچ‌وقت از سرمایه‌گذاران خطرپذیر پول نمی‌گرفتند به محض اینکه آنها را سوار خودروی خود می‌کنید و اجازه می‌دهید پول بزنین شما را ببرد، دیگر با آنها هم‌سفر شده‌اید. اگر در مسیر مورد نظر آنها حرکت نکنید، در موارد نادر، ممکن است حتی فرمان را از دست شما دربیاورند و خودشان ادامه مسیر را هدایت کنند. باید این را بدانید که طلاق گرفتن از همسرتان، آسان‌تر از خلاص شدن از دست یک سرمایه‌گذار است.

در حالی این مطالب را می‌نویسم که شرکت ما برای دور بعدی تامین سرمایه آماده می‌شود. امروز شش جلسه با سرمایه‌گذاران داشتم. دو تا از آنها سرمایه‌گذار خطرپذیر بودند و چهار تا سرمایه‌گذار فرشته. صادقانه بگویم، علاقه‌ای به رویکرد سرمایه‌گذاری خطرپذیر ندارم. ترجیح می‌دهم گزینه‌هایم را تا جایی که می‌توانم باز نگه دارم. استارت‌آپ‌هایی که با سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر حمایت می‌شوند، همه‌ما تیترهای خبری را جذب می‌کنند، اما موفقیت یک کسب‌وکار نباید با تعداد مقالاتی که در مورد آن کسب‌وکار در رسانه‌ها منتشر می‌شود و میزان پولی که از سرمایه‌گذاری جذب کرده، سنجیده شود. هیچ اشکالی ندارد که شرکت‌ها به طور متناوب سرمایه جذب کنند؛ کاری که خیلی از آنها بی‌سودا انجام می‌دهند. خوشبختانه، به جز سرمایه خطرپذیر، گزینه‌های دیگر زیادی در اختیار استارت‌آپ‌ها نیست. و این خیلی خوب است. چون تامین سرمایه به خودی خود یک پروژه بزرگ است و خیلی از استارت‌آپ‌ها قبل از اینکه ایده‌ها و آزمایش‌هایشان تمام شود، پولشان تمام می‌شود.

این مهم است که بدانیم، آنچه روی آن سرمایه‌گذاری می‌شود معمولا یک مدل کسب‌وکار است. تیم‌ها و پروژه‌ها نمی‌توانند عامل بازگشت سرمایه باشند. اما یک مدل کسب‌وکار می‌تواند. تامین مالی مدل‌های کسب‌وکار معمولا در مراحل مختلف چرخه عمر کسب‌وکار اتفاق می‌افتد. در مرحله اول (شروع کار) چرخه عمر، زمان زیادی برای تولید چشم‌انداز محصول لازم است. برای دانستن تناسب محصول/راه حل در مرحله دوم (اعزام به سفر)، کمی تلاش بیشتر لازم است. در مرحله سوم (شکل‌گیری) پول بیشتری لازم است و سپس وقتی وارد مرحله ششم (شتاب دادن) می‌شوید، باید به فکر بودجه زیادی باشید.

برای تامین مالی یک کسب‌وکار جدید، فرقی نمی‌کند که در مورد یک استارت‌آپ مستقل حرف بزنیم یا استارت‌آپی وابسته به یک شرکت دیگر. هر دو آنها برای توسعه ایده‌ها، نمونه‌های اولیه و نسخه‌های بتا (نسخه‌های تایید نشده نزدیک به نسخه نهایی یک محصول که برای بازخورد گرفتن از مشتریان درست می‌شود) به بودجه نیاز دارند. هر دو آنها باید پیشرفت‌هایی را به نمایش بگذارند و برای اینکه بتوانند بعدا منابع مالی بیشتری جذب کنند، باید اعتمادآفرینی کنند. همچنین نباید بین یک سرمایه‌گذار مستقل و یک مدیر پرتفوی شرکتی تفاوتی وجود داشته باشد. هر دو آنها باید سرمایه‌هایی را در اختیار استارت‌آپ‌ها قرار دهند تا فعالیت‌های آنها را در مرحله بعد چرخه عمر کسب‌وکار پوشش دهد. هر دو باید بر اینکه این سرمایه‌ها باید در مرحله بعدی استفاده شوند، تاکید داشته باشند و به دنبال شواهدی مبنی بر یک آینده پرسود باشند تا در مورد تامین مالی‌های بعدی چانه‌زنی کنند.

در استارت‌آپ‌های مستقل، تامین سرمایه برای یک دوره مالی ۱۲ تا ۱۸ ماهه متداول است. در این فاصله یک سال تا یک سال و نیم، بخش عمده زمان و تمرکز بنیان‌گذاران استارت‌آپ باید صرف کردن بودجه لازم برای ورود به مرحله بعدی چرخه عمر کسب‌وکار می‌شود. این موضوع چند هفته تا چند ماه زمان آنها را می‌گیرد و لازم است دهها جلسه با سرمایه‌گذاران که مملو از برنامه‌ها، ارائه‌ها و عملکرد‌ها است، برگزار شود. به محض اینکه توافق برای تامین مالی حاصل شد، بنیان‌گذاران می‌توانند بر چگونگی خرج کردن پول و حرکت به سمت مراحل بعدی متمرکز شوند تا زمانی که کل چرخه تامین مالی در یک سال یا یک سال و نیم بعد شروع شود.

وقتی زمان زیادی صرف برنامه‌ریزی و آماده‌سازی می‌شود تا یک پروژه تامین مالی شود، کارشناسان چابکی کسب‌وکار گاهی آن را BDUF می‌نامند که یعنی اجرای زودهنگام یک پروژه قبل از شروع رسمی آن. یک دلیل مهم طولانی شدن روند تامین مالی، این است که فرآیند سرمایه‌گذاری به خاطر برگزاری جلسات متعدد، چانه‌زنی‌ها، راستی‌آزمایی و کارمزدهای قانونی، هزینه‌بر و رنج‌آور است. اما طرفداران چابکی در کسب‌وکار می‌گویند «وقتی کاری شما را اذیت می‌کند، بیشتر انجامش دهید» وقتی خودتان را مجبور می‌کنید خلاق باشید و کارها را با هزینه و رنج کمتر انجام دهید و دوره‌های تامین مالی را به بخش‌هایی با فاصله زمانی کمتر تقسیم‌بندی کنید می‌توانید تعداد تامین مالی بیشتری داشته باشید که آن را «تامین مالی چابک» می‌نامیم. با کمی تحقیق و آماده‌سازی، می‌توانید «همواره تامین مالی کنید».

نویسنده: Jurgen Appelo
مترجم: مریم رضایی

یادداشت

ادبیاتِ بدهکار به محیط زیست

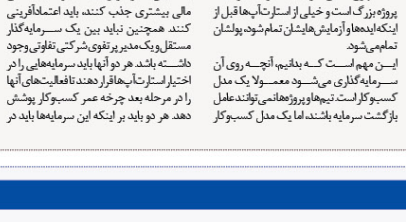

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا: «یداله رویایی» در یادداشتی با نام ادبیات محیط زیست، «فاصله گرفتن از اطراف و در متن طبیعت نزیستن را دلیل تقاطع انسان و محیط می‌داند و تأکید می‌کند که محیط زیست برای آنکه آلوده نشود به ادبیات محتاج است. به ادبیاتی که با نگاهی نو به محیط زیست توجه کند و شکلی تازه از درک فاصله‌ها و شناخت اطراف را رقم بزند»

اعلان مصیبت‌های محیط زیستی و توجه‌بخشی به دخالت‌های ویرانگر انسان در طبیعت یکی از مأموریت‌های ادبیات امروز است. بازگشت به طبیعت‌اندیشی در ادبیات نه صرفاً یک سبک ادبی که پیش‌بینی مصایبی است که انقراض انسان یا لااقل نقض آرامشش را به‌دنبال دارد. اعتراض به دشواریستن در فطرت ادبیات موجود است و این منش در طول تاریخ مانع از سازگاری با رنج و ریاضت شده است.

در روزگار ما طبیعت به مقهور «فاناپی» و مغلوب «فانائی» انسان است و فرجام این کارزار اکنون به وضوح در لاغر شدن روده‌ها و بیماری بیابان‌ها و افسردگی جنگل‌ها پیش چشم است. تلقی تلخ ادبیات در مواجهه با بحران‌های طبیعی خودآفریده انسان به تولید ژاژهای وحشتی دامن زده است که با به نمایش گذاشتن وضعیت‌هایی محتمل همچون تولدِ موجودات موهومی و غیرقابل کنترل، خرد جمعی را به چالش می‌کشاند. وجه تمایز این ادبیات با ادبیات کلاسیک در همین دور و نزدیک بودن به طبیعت است.

قرابت شعر کهن با طبیعت و دستمایگی پدیده‌های طبیعی به‌عنوان جانبه‌های مفهومی و مشخصه‌های سبکی غیرقابل انکار است. پرسامدترین عناصر خیال‌انگیز متولد طبیعت بوده‌اند و رویکرد ادبیات در گذشته پیش و بیش از هر چیز، التذاذ از اطراف و تمتع ایمن بوده است و به ندرت ادبیات را در این حوزه در مقام نهی و تحذیر می‌بینیم. کمیت ابیاتی همچون «درخت افکن بُوَد. کهن‌زدگانی/ به درویشی کشد نخجیربقی» در برابر «ای گل‌فروش گل چه فروشی به‌جای سیم/ وز گل عزیزتر چمستانی به سیم گل» بسیار اندک است اما به هر اندازه نشان از وجه اعتراضی ادبیات در برابر طبیعت‌ستیزی است. اتفاقی که ایتلاقات محیط زیستی و بحران‌هایش را تجربه نکرده است و قطعاً نمی‌توانسته است تصوری غالب از نتیجه وحشتناک غلبه انسان و قهر طبیعت داشته باشد، مسئولانه و به‌وقت؛ هشدار می‌دهد و بدسرنوشتی انسان را برجسته می‌کند.

این «دوراندیشی» اما در ادبیات امروز غیبت دارد. وجهی غیرقابل‌باور از بی‌اعتنایی و نادیده‌انگاری که می‌تواند متضمن مشارکت ادبیات در استمرار رویه تخریبی محیط زیست باشد و به «کر و لال» خواندن ادبیات ختم گردد.

بدهکاری ادبیات به محیط زیست لااقل در این سال‌ها صدچندان شده است؛ ادبیاتی که اگر پدیده‌هایی همچون «درخت»، «پرنده»، «دریا»، «گل»، «رودخانه»، «جنگل» و... از آن گرفته شود، تهیدست باقی خواهد ماند. مطالعه ساز و کار ادبیات جهانی و اثرگذاری آن در توسعه فرهنگ زیست‌محیط‌جمعی و مطالعه‌آفرینی‌ها و آگاهی‌بخشی‌ها می‌تواند چهره مغلوب ادبیات امروز ما را در اضطراب‌های پشت سر و پیش رو به نمایش بگذارد. یکی از این همه: تراژدی محیط‌بال/زنجال!

ارمغان یه‌دار وند

بریده جراید

شنیدن نغمه‌های ایرانی با بزرگان موسیقی

ایران: حسین پرنیا، نوازنده سنتور و آهنگساز- این روزها زندگی مردم ما سرشار از تهایی، تنش و استرس است و متأسفانه رسانه‌هایی چون تلویزیون و حتی شبکه‌های ماهواره‌ای به این موضوع توجهی ندارند و تمرکز خود را بر موضوعات سیاسی گذاشته‌اند. به همین دلیل نمی‌توان از رسانه‌ها این انتظار را داشت که به حال روحی و آرامش مردم فکر کنند. تا استرس و تنش را از افکار و روح مردم دور کنند. براین اساس پیشنهاد من به مردم عزیز در این دوران سخت، شنیدن موسیقی‌های بی‌کلام یا نمی‌آرام است؛ موسیقی‌هایی از نوع تک‌سازی یا چندسازی با تأکید بر حذف کلام از موسیقی است. خوب است که مخاطبان به سوی موسیقی‌های بی‌کلام یا ریتم‌های آرام‌بخش سوق داده شوند. این نوع موسیقی‌ها انسان را به تأمل و تفکر دعوت می‌کند. دعوت به آرامش تا کمی سرعت بی‌محابای زندگی کاهش پیدا کند و انرژی‌های منفی از ما دور شود. براین اساس موسیقی پیشنهادی من در این زمینه شنیدن آلبوم «سه نوازی در دستگاه ماهور و سه گاه» است که از سوی انتشارات ماهور منتشر شده. اثری به هنرنمایی بزرگان موسیقی ایران، فرامرز پایور (نوازنده سنتور)، هوشنگ ظریف (نوازنده تار) و محمد اسماعیلی (نوازنده تنبک). این آلبوم شامل قطعاتی با رویکرد گفتوگوی موسیقایی میان تار و سنتور و تنبک است. گفتوگویی که به زیبایی روایت می‌شود و برای همه مخاطبان قابل درک است. قطعاتی ساخته‌های استاد پایور که با تار و تنبک همراه شده است. همانطور که اشاره کردم این آلبوم براساس موسیقی دستگاهی ساخته شده و شامل شش قطعه بر اساس دستگاه‌های سه گاه و ماهور است. «مقدمه ماهور»، «چهار مضراب» و «رنگ ماهور» سه قطعه رنگ ماهور بوده و «مقدمه سه گاه»، «چهار مضراب مخالف» و رنگ سه گاه سه قطعه دستگاه سه گاه بوده است و در کنار آن ذوق و قریحه استادان هوشنگ ظریف و فرامرز پایور و تکنوازی‌هایی که در گوشه‌های سه گاه و ماهور نواخته‌اند به زیبایی نمایان است. پیشنهاد من به عزیزان این است بخش دستگاه ماهور را ابتدای صبح گوش بدهند که بسیار مناسب و نشاط آور است و شنیدن بخش دستگاه سه گاه را در عصر پیشنهاد می‌کنم که حال و هوای بسیار آرام و دل انگیز ایجاد می‌کند. اثر استاد پایور از شاکله بسیار قدرتمند و محکم موسیقی ایرانی است و نوع جمله بندی‌ها بسیار روان و ملیح است و به مرور گوش دادن به آن به انسان آرامش می‌رساند.

سه نوازی در دستگاه ماهور و سه گاه
سال انتشار: ۱۳۸۶
سنتور: فرامرز پایور
تار: هوشنگ ظریف
تنبک: محمد اسماعیلی

«همیشه فاصله‌ای هست» (بازتابِ مفهومِ «درد» در مختارنامه عطار)

شهر کتاب: احمدرضا بهرام‌پورعمران- خوش‌بخته هزاران ربامی در چندین مجموعه و جنگ بازمانده از سده‌های هفتم و هشتم محفوظ‌مانده‌است. از دیگر بخت‌های ما فارسی‌زبان‌ها آن بوده که عطّار در اواخر عمر، ازمیان انبوه رباعیّاتِ خویش دوهزار رباعی را برگزید و در پنجابیاب طبقه‌بندی کرد و آن را مختارنامه نام‌نهاد. یکی از اهمیّت‌های این اثر، مقدمهٔ عطار است که اصالتِ آثارِ مسلّم‌الصّدور او و نیز تاحدّی توالی تاریخی سرودهشدن‌شان را نشان می‌دهد. نکته دیگر، بازتاب نگرش و مضامینِ خیّام و خیّامیّات‌سرایی در برخی از رباعیّاتِ همشهری اهلِ سیروسلوکش، عطّار است.

مختارنامه همچنین منبع درخورِ توجّهی است برای پیشینه پژوهی در سنّت‌های پرکاربردِ شعرِ فارسی (شمع، پروانه، گل، قلندریات و...).

می‌دانیم که درون‌مایه و مضامینِ اصلیِ آثارِ بزرگانِ، غالباً در دیگر آثارشان نیز تکرار می‌شود. در مختارنامه نیز بسیاری از اندیشه‌های مکرّرِ عطار، به‌ویژه مضامینِ منطق‌الطّیر، امدهاست. حتّی برخی از مراحلِ هفتگانهِ سیر و سلوکِ منطق‌الطّیر، در فهرستِ مختارنامه (هطلب»، «حیرت»، «فنا» و «عشق») دیده‌می‌شود.

یکی از کلیدواژه‌های تمامی آثارِ عطار «درد» است. این درد همان درد ناشی از دورافتادن از اصلِ خویش است. درد که به‌تعبیرِ مولانا، اگر مردان را بشد «خوش است» و سینهٔ سنایی و عطّار و مولانا از آن شرحه‌شرحه بودهاست. سلوکی پایان‌ناپذیر که در جانِ شخصیّت‌های بی‌قرارِ منظومه‌های عطّار نیز بازتاب‌یافته‌است. این دردِ روحی که نشأت‌گرفته از جدایی از جانان و ثمرهٔ فراق است در ترکیب‌های متنوّعی همچون «درد عشق»، «درد فراق»، «درد محبت» و... منعکس شده‌است. کافی است از این منظر به فهرستِ ترکیب‌ها و اشتقاقات تذکرالأولیاء توجّه‌کنیم. «درد بازماندگی»، «درد بنی‌آدم»، درد خواستن»، «درد دوری»، «درد دین»، «درد زندگی»، «دردکردن جان» و... استادشفیعی کدکنی جایی دربارهٔ ماهیّت و جنس «درد» در آثارِ عطّار آورده‌اند «یکی از کلمات محوری سخنِ عطار، کلمهٔ «درد» است. [...] مقصود، آمادگیِ روحی انسان است برای پذیرفتنِ امورِ ذوقی و حقایقِ روحانی [...] و نیروی حرکت سالک به سوی مقصود» (منطق‌الطّیر، انتشارات سخن، چ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۶۶۰).

سه باب از رباعیّاتِ «مختارنامه» نیز به مضمون «درد» و «دلدوه» اختصاص یافته‌است. عنوانِ بابِ شانزدهم «درعزلت‌ودلدوه‌ودرد و صبرگزیدن» است. عنوانِ بابهای چهل‌ودوم و چهل‌وسوم نیز «در صفتِ دردمندی عشق» است. در این سه باب، عمدتاً مضامینی آمده که در این یادداشت از آن سخن رفت.

رباعیّاتِ عطّار نه همچون شعرِ خیّام اندیشه‌ورزانه است و نه همچون رباعیاتِ مولانا شوریده‌حاله. طرازِ ادبی و جمال‌شناختی رباعیّاتِ عطّار همواره یکسان نیست. هرچند از میان آن‌ها دهها رباعی زیبا نیز می‌توان برگزید.

اینک چند رباعی از بابِ چهل وسوم مختارنامه:

خواهی که ز شغلِ دو جهان فرد شوی
با اهلِ صفا همدل و همدرد شوی،
غائب مشو از دردِ دل خویش دمی
مستحضر درد باش تا مرد شوی!

در عشق اگر جان بدهی، جان این است
ای بی‌سروسامان! سروسامان این است
گر در ره او دل، تو دردی دارد
آن درد نگه‌دار که درمان این است

عاشق ز همه کارِ جهان فرد بوَد
از هردو جهان بگذرد و مرد بوَد
پیوسته دلش گرم و دهنش سرد بوَد
از ناخنِ پای تا به سر، درد بوَد

کو جان که به چاره، چاره جان گُنمش
کو دل که علاجِ دلِ حیران گُنمش
دردی دارم که هیچ نتوانم گفت
دردی که بتر شود چه درمان گُنمش؟!

دردی که مرا در دلِ بی‌درمان است
یک‌ذره ز دل کم‌نشود تا جان است
گر دردِ دل خلقِ جهان جمع کنند
در دلِ من یک‌شبه صدچندان است

ره نیست بدان داده که کُشتند مرا
بر قامه آن خط که نوشتند مرا
گر می‌پندانم آن که درمان من است
دانم که ز درد او سرشتند مرا

(مختارنامه، تصحیح و مقدمه از استاد محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات توس، ۱۳۵۸، صص ۶-۲۰۴)